

جریان محاکمه نهمین شهربانی

مدافعات آقای فروزش

وکیل مختار

سپس آقای فروزش اشاره باین نمود که در مورد این پرونده ها حتی قبل از صدور ادعا نامه تبلیغاتی و بعد از صدور ادعا نامه نیز تبلیغاتی بر علیه متهمین حمل آمده و اشاره به اهمیت و تأثیر تبلیغات در زندگی سیاسی اجتماعی مردم و بیان نمودن که شایع صاف نیز پس از برخورد مجاهدان و آغاز کار توسط تبلیغات شوروی و سوسیالیست ها از پیش برد و بعد اشاره شود که آقای مقدادی در تحقیقات اظهار نمود که اشغالی میماند نه پولی که از دربار برای آنها می رسید از شهربانی دریافت می داشتند و خطاب به آقای دادستان کردند که چرا آقای دادستان این موضوعهای معرمانه را از شهربانی نفی می کنید و فاش نمی کنید که چه کسانی بودند که از دربار بوسیله شهربانی پول میگرفتند و بعد آقای دادستان خود که در امور جنایی با بلایان و برونه های خود که شاهد تریب است در دادگاه متهمان قتل بیگانه را در پیشگاه قضاوت و شرفی را با شوهرش بر خلاف حقیقت منتهی نموده بودند که در نتیجه تحقیقات کشف شد قاتل دیگری است و زن و شوهری تغییر را رها کردند و قاتل را گرفتند چگونگی تکی و حتی احوال مسروقه را کشف کردند و پس از آن وارد موضوع دفاع موکل در مورد دعوای قتل دوجا شده شوای طرز اشتداد ادعا، نامه را مورد استناد قرار دادند که آقای دادستان مطلب را از آغاز ادعا نامه شروع عنوان کردند که هر خواننده تصور میکند که شخص مختار دنیا را حبس و بعد تبعید بلایز کرده و چنان تضییقاتی یا رواداشته که حتی از حقوق زندانیان هم محروم گردانیده و حال آنکه پرونده سیاسی دیباخان و حاجی است که مطلب غیر از این بوده دنیا حکومت قانونی داشته و قبل از انقضای مدت حبس از دفتر مخصوص حسب الامور شاه بنظریه ابلاغ شد که پس از اتمام حبس دیبا را مرخص نمایند.

مابعد عرض میباید بمقام بالا نوشته بود که عرایض غیر معانه ای دارد که باید بر عرض برسد: حسب الامر معاون دفتر مخصوص برای اصنافی مطالب او برندان رفته مطالب او را استماع و بر عرض پادشاه رسانده که تا آن ساعت مختار نینداند که مطلب او چه بوده بعد از این واقعه سلط نامعلوم شاه کتبا امر میدهد که دیبا را سلب و بر آن نحو زندانی کنند و باز از دفتر مخصوص امر میرسد که من در عریضه چاه دنیا را چه بگویم و بالا حضرت و چه بگویم اعراضت بر او نکنند و قبل از این پرونده ثابت میدارد که بادبانی خیلی عادی در زندان رفتار میشد مطالب او مرتب بر عرض میسود مرتب از دست او بودند هر وقت بود و طبیب لایق نبود برای او میبردند: بعد از تبعید بلایز نیز هورت گزارشی از کسالتش دادند مختار دستور داد که برای او پزشک و دو اقراهم نمایند با این حال بطرفی دادستان اقتضا داشت که این مراتب طبق محقق و واقع در دادگاهنامه ذکر شود: منظور از این عریضه که مردم تصور نمایند غیر از معانه و روی عرض یا بدخواهی او را حبس و تبعید کرده است: و عین نامه هارا با شماره و تاریخ یکبارگی در دادگاه قرائت نمودند و بعد راجع به بیعت دیبا در زندان هم اظهارات دادستان را رد کرده که حتی دیبا به بعضی از زندانیان هم کمک میدادند است و گرسنه و تشنه بود در زندان بوده سپس با اتفاق پیونده و نواقص کار با زیر سر برداشته فریب دو ساعت یکبارگی اندامات باز پرس و مؤثری بی اختیار از اظهارات ایته مراد و ولی الله پادشاه و دروغ بودن اظهارات آنها سایرین را با بدلال مقلو وحشی اشار داشت و طرز تشکیل پرونده و هر چه تحقیقات را مورد انتقاد سخت قرار دادند و اظهار داشت که این پرونده کین حقیقت و هیچ نیبرده بلکه آقای بازرسی در طی این راه بکراه سنگلاخ و گمراه کننده ای را در پیش گرفته است که عقل و فهم انسان آوری می شود و سرگردان میگردد و این پرونده وقتی زیر نظر یک کارشناس گذاشته

سپس ساناتی راجع فوت خوهل نمودند و اشاره کردند که تصریح کردنتن لفظن اللک در گواهی بانیکه در خواب برض سگه فوت کرده و تصریح نموده است که دهان و صورت کج شده و بدترین دلیل است که فوت بر اثر سگه بوده. از داکتری متا لقمان اللک که طبیب معالج بوده منوشه و گوی صورت و ذهن سلامت ظاهر سگه است از جریان تحقیقات برنده مزبور و پرونده های وفیفر رفته سخن را: نیا رسایده و با غضب ببادستان و با حرارت و خروش مؤثری چنین گفت: خطاب آقای دادستان سوکل من در حین جان آدمی با آن شور و حرارت و حمله غیر منظره این بوده است که شما سگاری و شا دره عدلی بیعت شاه ایجاد کردید و شا سیم خردار برگرد نصر سلطنتی کشیدید و شما قانون اساسی را لگدمال کردید و بالاخره شما با اینجانبان بیست ساله را برتکب شده این و در چند جمله از چندین جملات سخت و زنده و خلاف انتظار دادستان در دادگاه و اما من عرض میکنم تاریخ انتصاب مختار بیست و دو درجریان دادگاه که از ۱۳۱۴ بوده است بیست و دو روز شهربانی را از قبل مابعد نامیم و از نظر قانون اساسی اصول و مقرراتی از آزادی قانونم مقابله کنیم: بیست و دو فرقی کرده بود.

بیستیم قانون اساسی را لگدمال کرده بودند و که کرده بود: آنرد که بادگاه سابق بود بطوریکه عرض کردم از زمان وزارت جکش روزنامه نویسی را بشناختن و جشی کردید و دیگر و دهها را باشت کوبید و ظم هارا زیر چکه اش خرد کرد آتوت مختار کجا بود؟ مختار کجا بود؟ که برود بگوید آندای وزیر جنک دمورکراسی اجازه ندادند اینکارا و اینکه باوروی که رئیس الوزرا شد و حکومت نظای برقرار کرد و سه از کردها کشید و کم کم تخلفان را ازین بیبرند آنروز مختار کجا بود و چکاره و آتامضط که نسبت که بگویم نیز مختار آنروز نه رفیق و پناه ننگت که من پانزده سال دیگر رئیس شهربانی شا خواهم شد حالا پیشگویی عرض میکنم که اینکارها صلاح نیست روزی مرا برای این افعال صلاحی جالب میکنند: جواب آقای دادستان را چه بگویم؟

آقای دادستان اینکارها را مختاری کرد: آنروز که مدیر وطن را در خیابان علاءالدوله از دروزنده که استخوانهایش خرد شد که آقای آرزو مختاری در راس شهربانی بود: آنروز که حق انتخاب را از ملت ایران گرفتند و سر حیا امز دادند باینکه حسن از کجاستی از کجا انتخاب شود حق اساسی حکومت ملی ملت ایران را لگدمال کردند و اشغالی بنام نمایندگی در طول مناجاز از پانزده سال بر این ملت تحمیل گردیدند کجا بود مختار؟

آقای دادستان شما که بنام ملت ایران دعوی نمائید میباید و منتظر به شهادت و شجاعت می شوید (با کوبیدن مشت بیخو خطاب) و با سردوشی قرمز در دادگاه حاضر و سینه سپر میفرمائید من زین ادعا که در طی این مدت که شما بیباکانه اعلام جرم میکنید که پرونده ای جعلی انتخابت را که بوسیله آن حق اساسی ملت تضییع شده بدست آوردید و جانی و استفاده کنندگان از جعل را تعقیب کنید! شا اگر برای ما دعوی اساسی بدان میسوزد و نمره دردمندان میزید یا اگر در این احساسات و تظاهرات صادق باشیم بفرمائید این گوی و این میدان: و گرنه مختار کوچکتر از این بود که آزادی بیان و قلم را پایمال کند: یا آزادی مطبوعات را سلب کند.

چرا از تحقیقات فراموش میکنید: یک مرد مقتدر و توانایی آمد و پشت بر همه دهانها زد و بااراده خود یک کارهای کرد و زور و قدرت قوی تری هم بد آمدوار را مرد این حساسه سرائی من و شا برای چیست؟

گویید مختار کدام روزنامه نویس را نکند زد؟ کدام یک از این کارهای را که شما میگوئید اگر کرد؟ روزنامه نویسی آنروز هم مثل وزاری وقت و سایر مردم مجبور سکوت بودند و در مقابل آن پادشاه جز آنکه هورت و اشاره از دربار برسد بخرچ بود با هزاران ترس و از ملتزم و جاش شوند

مدافعات آقای ناکتر آقایی و گیل مدافعات مختار

ملت ما هم ایجاد میشود. بگفتند این برهان طبیعی است من این که بنده ربه ام خراب میشود در نتیجه طرز زندگی باطل دیگری تب میاید یک وقتی مرا مسموم میکنند و تب می کشی بکنی از آن طبیعتی است دیگری مصنوعی در زندگی ملل هم یک بجران هائی پیش میاید که نتیجه طبیعت است حتی نتیجه تکامل و لیاقت تاریخی آن ملت است. وقت دیگری یک آدم قلداری مثل چنگیز خان پیدا میشود و ایجاد بجران میکند امروز ما آقای مختار و متهمینی که در اینجاست نشده اند عنوان شخصی معاکه نیکنیم بلکه یک رژیم یک وضعیت تاریخی را معاکه میکنیم بطلت اینک آقایانی که اینجا نشسته اند اگر ما یک رژیم را تشبیه بیکرشته طولی و درازی بکنیم آقایان یک حله کوچکی از آن هستند بنابراین اگر بتواند کاری را که جنبه انباشتی آن جنبه فردیش غلبه دارد با کمال راحتی خاطر رسیدگی نماید بنا بر این ما و کلای مدافع باید از دو جهت دفاع کنیم: یکی دعوای دادستان و دیگر عقاب مردم.

قبل از اینکه مدافعات اصلی به پردازم یک مطلبی که باید نگذشت نماند و در آن باب توضیح کافی داده شد میخواهم تذکر بر عرض برسام در جریان دادگاه که از ۱۳۱۴ فیروز فولادی گفته است و در دادگاه تکرار شد که این وصیت نامه در دو نسخه بود یکی پیش فولادی بوده یکی هم آن روز بوده که کوروی دروغی تنظیم و از طرف شهربانی بیازماندهان مرحوم فیروز تسلیم شده.

ملاحظه خواهند نمود که از طرفی تاریخ که در ذیل آن گذاشته شده است ربطی به مرحوم فیروز نیست - قلم آن قلم من نیست و مرکب هم آن مرکب نیباشد و از طرف دیگر آن ورقه را که میخواهند بجای نسخه دوم وصیت نامه ارائه دهند میگویند شاهزاده مخصوص تاریخ آن را دیماه ۱۳۱۵ گذاشته تا بپهنند که در همین نوشته شده است این توضیح خلاف حقیقت است مرحوم فیروز در همین ورقه خلاف اتفاقا بوده و باید مجازات ببینند. ادعای قتل آنان از طرف آقای دادستان شده است خیلی خوب میشناسم و ارادت بانها داشتم. با مرحوم مدرس در مجلس پنجم اقتضای همکاری داشتم و ایشان را در کار دیدم.

مرحوم دیبا موکل بنده بود من از او در دهائی که منجر بحکومت او شد دفاع کردم که در بدایت بهشما هم حسب محرم شد من استیفاء دادم و محکمتر کردم بدو سال یا ۱۸ ماه دفعه اول بود که در دتای قضایی استیفاء متم بر علیه خودش تمام شد. مرحوم شاهزاده نصرت الدوله فیروز از دوستان من بود و من هم از خلیجها از فوت ایشان متاثر شدم چون بطوریکه بعد توضیح خواهم داد مرحوم فیروز یک وجود شریفی بود که محیط فاسد این مملکت او را بانجا رسانید بنا بر این چون این اشغالی شناختام و با آنها سر و کار داشتم دل من بیشتر میسوزد تا آقایانی که آشنائی نزدیک نداشته اند.

برای اینکه ما بتوانیم حقیقتاً قضایات کنیم اولاً بایستی احساسات را کنار بگذاریم و یک نظر اجمالی تاریخ چهار ساله مملکت خودمان بیندازیم تا بتوانیم نتیجه بگیریم که قده رژیم دیکتاتوری طبیعی بوده یا مصنوعی یا که از آن سخن میگویند میسوزد برود الان در دفتر و آسایش بسر میبرند: الان یکسال است که ما حکومت دمورکراسی داریم و در جلو اراده شما دیگر مانی برای تعقیب آنها نیست چرا هیچک از آن پهلوانان ملو و پرا و شیادان دنبال نکرده اید؟ چرا با همه اینها هنوز رفقات و خصوصیت بخرچ می دهید و فقط پهلوانی خودتان را برای این یکمشت کور و کچل (مقتول بوری و امثال او) بنامه تماشای ملت گذارده اید؟

آقای دادستان از دیوار شکسته معتنا چه میخواهد؟ مختار چقد و در چه مدتی منقر است؟

بلی منقر است که او هم مثل سایر پهلوانان و وزیران و امیران آن دوره درشکر کنیا و کیلوما و مقاطعه ها و اشادها شرکت نکرد و میلیونر نشد و الا امروز با رفقای میسوزد خود او هم استراحت داشت و در گوشه زندان بود!

این بیانات شور و حرارتی در متهمین ایجاد نموده بود و جوانان وقت بیایان میریدید سخن در همین جویان وقت توانست این قصاص احوال کند در صورتی که

یک قانون اساسی پیدا کردیم بجران اینکه این قانون اساسی پیدا شد یک عده وارد میدان شدند. این عده با بقیه بودند بیکدیگر مشورت می کردند و بدینسان به سوادداشتند و به بیانات اداره کردن جامعه را و عده دیگری استفاده جی بود که مشروطه را وسیله استفاده خود قرار داده بودند. بنده هم یکی از مجاهدین کوچک بودم در موقع انقلاب من جزو مجاهدین پنهان آمدم چند ماهی بعد فهمیدم که این اقتضای مصنوعی بوده و ول کردم رتم دنبال تکمیل تحصیل خود وقتی بعد از ختم تحصیل یعنی سه سال بعد بنهران برگشتم اول از چیزهایی که دیدم این بود که ما دو دادگستری داریم یکی برای خارجی هادر و دواوشان با داخل و بالعکس و دیگری برای ایرانیها و چطور میشود یک مملکتی مشروط باشد خوشتر از مشروطه باندیک ماده قانون اساسی داشته باشد که میگوید محل معادکات وزارت خارجه هم نداشته باشد آنچه که خوانند نماندند که برای یک اشغالی بیهم وطن پرستی چه رنج روحی بود این قضیه معاکات خارجه یا با اصطلاح قانون بین المللی تفاوت کنسولی اوضاع از این قرار بود که اگر من یک نفر ایرانی بر علیه یک شخص خارجی اقامه دعوی کردم ابلاغات بکنسولگری مربوطه فرستاده میشد یا ابلاغ میشد یا ابلاغ میشد من بجمعه ای آمدم و اگر تنی آمد هیچ فوه ایرانی نمی توانست او را معاکه بیارود حکم غیابی هم وجود نداشت اگر همین عمل را یک نفر خارجی میکرد و ایرانی مدعی علیه بود و در محکمه حاضر نمیشد پلافامه با ورفه جلی صادر میکردند و فرمایشی با بی بس گردنی آقا را برای جلسه بد حاضر میکرد رسیدگی با حضور نماینده کنسولگری بعمل میامد هر حکمی که از دادگاه صادر میشد باندازه صد دینار قیمت نداشت مگر جناب تنسول آنرا امضاء میکنند. ما دعوی حق داشته ایم که بیست سال ۲۵ سال امضاء نکرده اند و بالاخره از این روی تاریخ یک روزی تقداری خواهد کرد از آقای و تونج الدوله که در نتیجه تقاضای من حکم غیابی را به آقایان قبولانند این اشکالات از کجا میاید سرچشمه این اشکال از عهدنامه ترکمن چای بود که بعد از اشکست ایران در عهد تقصالی شاه بسته شده بود عهدنامه ترکمن چای یک ماده ۵ شومسی داشت که تقاضات راجع به خارجه را در قسمت حقوق کبیری بکنی از ایران گرفته بود و در قسمت حقوقی آن حال را داشت که عرض کردم یعنی موکل به تصویب نماینده تنسول مربوطه کرده بودو ضمناً شرایط این عهد نامه روی اصل بین المللی ملل کامله الودا سیر ملل که بعد ها با ایران طرف عقد عهدنامه شدند تعلق گرفته بود بطوری که تمام عهد نامهای که بعد از سلطنت تقصالی شاه بسته بودیم روی اصل کلی مملکت کامله الوداد عهد نامه ترکمن چای خود بخود بانها انتقال پیدا کرده بود آنها هم همین حق را داشتند بنا بر این اگر یک تبع خارجه در ایران کسی را میبکشد یا میامد از منزل کسی یک سرتی میکند یا هر جرم دیگری مرتکب میشد حق عرض نداشتم حق ورود به خانه یا تجارخانه و دکان و نداشتم حق نداشتم جلو او را بگیرم یا توفش کنیم یا بجا از او نامیم. من فراموش کردم که کتاب سوسن را آورده عکس قاتل ضعیف الدوله را نشان دهم موقع عکس برداری این آدم طوری ایستاده است و عکس او از برداشته مثل اینکه کره زمین را خود بود آورده است این قاتل را ماتوا سستم هیچ کارش بکنیم برند در سرحد آزادش کردند آقای حکیم الملک حیات دارند امروز هم وزیر متاور میباشند موقی را که عرض می کنم آقای حکیم الملک معروفیت تام داشت یکی از روسای حزب دمکرات و شخص وزیر ماب بودند چندین مرتبه وزیر شده بودند روزی یک شخصی که امروز در مجلس است و میخواهم اسم ببرم روز روشن چند نفر مسلح به ستاد رفتند قریه قباستان ملک ورته مرحوم حکیم الملک وزیر دربار را واقعه در ورامین پشت دروازه تهر آن صرف کردند آقای حکیم الملک تعذیر شده بود و اگر یکی از نفر و کبیر حیان تحصیل کرده بودند و بتوانی روس متوسل میشدند و حکم از مقامات مربوطه از روسیه نیابوردند بیکان ملک این بدبخت ها را این شخص برده بود من خوب نظر میماید یک طبیب که الان هم در

تهران است و اسمش را ندیده ام بفرم نوکرشا که یک ایرانی بود که فصل ۳ و در زیر زمین منزلش توقیف کرد این بدبخت در زیر زمین مردان امر ایجاد میاه کرده بود جنازه را پیشربانی آورده بنه اول در تاریخ ایران تشریح کردند تشریح کننده آقای دکتر امیر اعلم بود و ثابت شد که این کارش نکردند امروز هم این آقای تیه ایران است و کار و بارش را از همه ماها بپهرت است

این وضعیت ما بود از نقطه نظر حقوق بین المللی سقرا می ما در خارجه بقدر که کسب کوچکی احترام نداشتند اغلب آنها مشغول فریادها و تکرار فریضی به اتباع خارجی بودند و در داخله که یک فوه داشت که صد بار بار بول وقتی که بعد از انقلاب دولت چه خواست بکار دوی ۵۰ نفری بطرز آذرخش بیجان فرستد بانی هارا بول و قلم کنند ۲۵۰۰۰ تومان بول لازم داشت هیئت وزراء اجاعا از بانک روسوز بانک شاهشاهی تقاضا کردند تا اولت این بول را تهیه نمایند آقای توام السلطنه نعت وزیر امروز مابون وزارت داخله آن روز روز شاهد قضیه است. هم چنین باینکه بعد از انقلاب و تصرف تهران بین کبیسون جنگ و قرقان خانه قرار دادی شده بود و قرقا مهابیاستی اسلحه خودشان را تعویب وزارت جنگ دهنده ولی تحویل ندادند و وقتی خواستیم که دو ناخست تیر از آقایان بگیریم تعین به غداره کردیم رسید. صد فقره دعوی مردم را یک تبعه خارجه تصدیق کرده بود و ملک خودی دانست در داخله مملکت مدعی علیه بود و در محکمه حاضر نمیشد پلافامه با ورفه جلی صادر میکردند و فرمایشی با بی بس گردنی آقا را برای جلسه بد حاضر میکرد رسیدگی با حضور نماینده کنسولگری بعمل میامد هر حکمی که از دادگاه صادر میشد باندازه صد دینار قیمت نداشت مگر جناب تنسول آنرا امضاء میکنند. ما دعوی حق داشته ایم که بیست سال ۲۵ سال امضاء نکرده اند و بالاخره از این روی تاریخ یک روزی تقداری خواهد کرد از آقای و تونج الدوله که در نتیجه تقاضای من حکم غیابی را به آقایان قبولانند این اشکالات از کجا میاید سرچشمه این اشکال از عهدنامه ترکمن چای بود که بعد از اشکست ایران در عهد تقصالی شاه بسته شده بود عهدنامه ترکمن چای یک ماده ۵ شومسی داشت که تقاضات راجع به خارجه را در قسمت حقوق کبیری بکنی از ایران گرفته بود و در قسمت حقوقی آن حال را داشت که عرض کردم یعنی موکل به تصویب نماینده تنسول مربوطه کرده بودو ضمناً شرایط این عهد نامه روی اصل بین المللی ملل کامله الودا سیر ملل که بعد ها با ایران طرف عقد عهدنامه شدند تعلق گرفته بود بطوری که تمام عهد نامهای که بعد از سلطنت تقصالی شاه بسته بودیم روی اصل کلی مملکت کامله الوداد عهد نامه ترکمن چای خود بخود بانها انتقال پیدا کرده بود آنها هم همین حق را داشتند بنا بر این اگر یک تبع خارجه در ایران کسی را میبکشد یا میامد از منزل کسی یک سرتی میکند یا هر جرم دیگری مرتکب میشد حق عرض نداشتم حق ورود به خانه یا تجارخانه و دکان و نداشتم حق نداشتم جلو او را بگیرم یا توفش کنیم یا بجا از او نامیم. من فراموش کردم که کتاب سوسن را آورده عکس قاتل ضعیف الدوله را نشان دهم موقع عکس برداری این آدم طوری ایستاده است و عکس او از برداشته مثل اینکه کره زمین را خود بود آورده است این قاتل را ماتوا سستم هیچ کارش بکنیم برند در سرحد آزادش کردند آقای حکیم الملک حیات دارند امروز هم وزیر متاور میباشند موقی را که عرض می کنم آقای حکیم الملک معروفیت تام داشت یکی از روسای حزب دمکرات و شخص وزیر ماب بودند چندین مرتبه وزیر شده بودند روزی یک شخصی که امروز در مجلس است و میخواهم اسم ببرم روز روشن چند نفر مسلح به ستاد رفتند قریه قباستان ملک ورته مرحوم حکیم الملک وزیر دربار را واقعه در ورامین پشت دروازه تهر آن صرف کردند آقای حکیم الملک تعذیر شده بود و اگر یکی از نفر و کبیر حیان تحصیل کرده بودند و بتوانی روس متوسل میشدند و حکم از مقامات مربوطه از روسیه نیابوردند بیکان ملک این بدبخت ها را این شخص برده بود من خوب نظر میماید یک طبیب که الان هم در

تهران است و اسمش را ندیده ام بفرم نوکرشا که یک ایرانی بود که فصل ۳ و در زیر زمین منزلش توقیف کرد این بدبخت در زیر زمین مردان امر ایجاد میاه کرده بود جنازه را پیشربانی آورده بنه اول در تاریخ ایران تشریح کردند تشریح کننده آقای دکتر امیر اعلم بود و ثابت شد که این کارش نکردند امروز هم این آقای تیه ایران است و کار و بارش را از همه ماها بپهرت است

این وضعیت ما بود از نقطه نظر حقوق بین المللی سقرا می ما در خارجه بقدر که کسب کوچکی احترام نداشتند اغلب آنها مشغول فریادها و تکرار فریضی به اتباع خارجی بودند و در داخله که یک فوه داشت که صد بار بار بول وقتی که بعد از انقلاب دولت چه خواست بکار دوی ۵۰ نفری بطرز آذرخش بیجان فرستد بانی هارا بول و قلم کنند ۲۵۰۰۰ تومان بول لازم داشت هیئت وزراء اجاعا از بانک روسوز بانک شاهشاهی تقاضا کردند تا اولت این بول را تهیه نمایند آقای توام السلطنه نعت وزیر امروز مابون وزارت داخله آن روز روز شاهد قضیه است. هم چنین باینکه بعد از انقلاب و تصرف تهران بین کبیسون جنگ و قرقان خانه قرار دادی شده بود و قرقا مهابیاستی اسلحه خودشان را تعویب وزارت جنگ دهنده ولی تحویل ندادند و وقتی خواستیم که دو ناخست تیر از آقایان بگیریم تعین به غداره کردیم رسید. صد فقره دعوی مردم را یک تبعه خارجه تصدیق کرده بود و ملک خودی دانست در داخله مملکت مدعی علیه بود و در محکمه حاضر نمیشد پلافامه با ورفه جلی صادر میکردند و فرمایشی با بی بس گردنی آقا را برای جلسه بد حاضر میکرد رسیدگی با حضور نماینده کنسولگری بعمل میامد هر حکمی که از دادگاه صادر میشد باندازه صد دینار قیمت نداشت مگر جناب تنسول آنرا امضاء میکنند. ما دعوی حق داشته ایم که بیست سال ۲۵ سال امضاء نکرده اند و بالاخره از این روی تاریخ یک روزی تقداری خواهد کرد از آقای و تونج الدوله که در نتیجه تقاضای من حکم غیابی را به آقایان قبولانند این اشکالات از کجا میاید سرچشمه این اشکال از عهدنامه ترکمن چای بود که بعد از اشکست ایران در عهد تقصالی شاه بسته شده بود عهدنامه ترکمن چای یک ماده ۵ شومسی داشت که تقاضات راجع به خارجه را در قسمت حقوق کبیری بکنی از ایران گرفته بود و در قسمت حقوقی آن حال را داشت که عرض کردم یعنی موکل به تصویب نماینده تنسول مربوطه کرده بودو ضمناً شرایط این عهد نامه روی اصل بین المللی ملل کامله الودا سیر ملل که بعد ها با ایران طرف عقد عهدنامه شدند تعلق گرفته بود بطوری که تمام عهد نامهای که بعد از سلطنت تقصالی شاه بسته بودیم روی اصل کلی مملکت کامله الوداد عهد نامه ترکمن چای خود بخود بانها انتقال پیدا کرده بود آنها هم همین حق را داشتند بنا بر این اگر یک تبع خارجه در ایران کسی را میبکشد یا میامد از منزل کسی یک سرتی میکند یا هر جرم دیگری مرتکب میشد حق عرض نداشتم حق ورود به خانه یا تجارخانه و دکان و نداشتم حق نداشتم جلو او را بگیرم یا توفش کنیم یا بجا از او نامیم. من فراموش کردم که کتاب سوسن را آورده عکس قاتل ضعیف الدوله را نشان دهم موقع عکس برداری این آدم طوری ایستاده است و عکس او از برداشته مثل اینکه کره زمین را خود بود آورده است این قاتل را ماتوا سستم هیچ کارش بکنیم برند در سرحد آزادش کردند آقای حکیم الملک حیات دارند امروز هم وزیر متاور میباشند موقی را که عرض می کنم آقای حکیم الملک معروفیت تام داشت یکی از روسای حزب دمکرات و شخص وزیر ماب بودند چندین مرتبه وزیر شده بودند روزی یک شخصی که امروز در مجلس است و میخواهم اسم ببرم روز روشن چند نفر مسلح به ستاد رفتند قریه قباستان ملک ورته مرحوم حکیم الملک وزیر دربار را واقعه در ورامین پشت دروازه تهر آن صرف کردند آقای حکیم الملک تعذیر شده بود و اگر یکی از نفر و کبیر حیان تحصیل کرده بودند و بتوانی روس متوسل میشدند و حکم از مقامات مربوطه از روسیه نیابوردند بیکان ملک این بدبخت ها را این شخص برده بود من خوب نظر میماید یک طبیب که الان هم در

تهران است و اسمش را ندیده ام بفرم نوکرشا که یک ایرانی بود که فصل ۳ و در زیر زمین منزلش توقیف کرد این بدبخت در زیر زمین مردان امر ایجاد میاه کرده بود جنازه را پیشربانی آورده بنه اول در تاریخ ایران تشریح کردند تشریح کننده آقای دکتر امیر اعلم بود و ثابت شد که این کارش نکردند امروز هم این آقای تیه ایران است و کار و بارش را از همه ماها بپهرت است

